

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی متن اوستایی و زند «آتش بهرام نیایش» (خرده اوستا)

استاد راهنما:

دکتر زهره شناس

استاد مشاور:

دکتر فاطمه جدلی

پژوهشگر:

فرزانه حاتم‌پور کنی

دی ماه ۱۳۸۹

سپاسگزاری

بر خود واجب می دانم از استادان خود که این پژوهش با یاری ایشان به انجام رسید سپاسگزاری و قدردانی نمایم. خانم دکتر زهره زرشناس که زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند و خانم دکتر فاطمه جدلی که همواره با روی گشاده در رفع مشکلات مرا یاری نمودند.

سپاس و قدردانی خود را تقدیم می دارم به استاد خود خانم دکتر رحیمی ایمن که با در اختیار گذاشتن منابع از کتابخانه شخصی خود مرا در انجام این پژوهش تشویق و یاری نمودند.

مراتب سپاس و احترام خود را تقدیم می دارم به استادان بزرگوار که در طول دوران تحصیل از ایشان دانش آموختم. خانم دکتر کتایون مزداپور، خانم دکتر زهره زرشناس، خانم دکتر فاطمه جدلی، خانم دکتر منظر رحیمی ایمن، خانم دکتر آزیده مقدم، خانم دکتر رقیه بهزادی، خانم دکتر امید بهبهانی، سرکار خانم فرزانه وزوایی، خانم دکتر فرزانه گشتاسب، خانم دکتر صالح، آقای دکتر ابوالقاسمی، آقای دکتر مدرسی و آقای دکتر راشد محصل.

و به نیکی یاد می کنم از استاد فقیید شادروان خانم دکتر صغری دربندی.

چکیده

«آتش» در آیین‌ها و مراسم ایران باستان از قداست و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است، به طوری که در سراسر متون اوستایی از آن به نیکی نام برده و ستوده شده و به ویژه در «یسنا»، هات ۶۲ و در «خرده اوستا»، نیایش پنجم به ستایش آن اختصاص داده شده‌اند. در پایان‌نامه حاضر، تحت عنوان «بررسی متن اوستایی و زند آتش بهرام نیایش (خرده اوستا)»، متن فارسی میانه این نیایش برای نخستین بار به فارسی برگردانده می‌شود. به همین سبب تلاش بر آن گردیده که متن به طور دقیق حرف نویسی و آوانویسی شده و ضمن رعایت نکات دستوری، برگردانی روان از آن ارایه گردد. در مقایسه دو متن اوستایی و برگردان آن به فارسی میانه (=زند)، مشخص گردید که در متن زند واژه‌ها گاه به طور کامل با واژه‌های متن اوستایی برابر معنایی دارند و گاه چنان از معنای اصلی دور هستند که مفسران زند ناچار برای رساندن مفهوم، معنی (gloss) هایی به متن زند اضافه کرده‌اند. بعضی از این معنی‌ها مطلب را روشن‌تر نموده و بعضی بر پیچیدگی آن افزوده‌اند. علاوه بر آن متن «آتش نیایش» دارای اشارات و مفاهیمی از فرهنگ و تاریخ ایران باستان است که برای درک درست‌تر از مفهوم متن نیاز به شناخت آیین‌ها و اساطیر کهن ایران می‌باشد. در این راستا واژه‌ها و عبارتهایی که نیاز به شرح داشته‌اند در بخش پیشگفتار و نیز در قالب «یادداشت‌ها» توضیح داده شده‌اند. این پژوهش شامل یک پیشگفتار و سه فصل است. فصل یکم شامل متن اوستایی، حرف نویسی و برگردان آن به فارسی و یادداشت‌ها است. فصل دوم، متن زند، حرف نویسی و آوانویسی و برگردان آن به فارسی و نیز یادداشت‌ها را در بر می‌گیرد. و فصل سوم مشتمل است بر سه واژه‌نامه اوستا - زند - فارسی، زند - فارسی و پازند - فارسی میانه- فارسی و دو نمایه از واژه‌های اوستایی و زند. در پایان پس از کتاب‌نامه، چکیده به زبان انگلیسی آمده است.

کلیدواژه‌ها: اوستا، زند، نیایش، بهرام، آتش، پازند، آتش نیایش

فهرست مطالب

کوتاه نوشت‌ها و نشانه‌ها شش

پیشگفتار هشت

فصل یکم: اوستایی

۱-۱. متن اوستایی ۲

۲-۱. حرف نویسی متن اوستایی ۱۵

۳-۱. برگردان فارسی متن اوستایی ۲۲

۴-۱. یادداشتهای برگردان فارسی ۳۰

فصل دوم: زند

۱-۲. متن زند ۳۹

۲-۲. حرف نویسی متن زند ۵۱

۳-۲. آوانویسی متن زند ۶۱

۴-۲. یادداشتهای آوانویسی ۷۰

۵-۲. برگردان فارسی متن زند ۷۲

۶-۲. یادداشتهای برگردان فارسی ۸۰

فصل سوم: واژه‌نامه‌ها و نمایه‌ها

۱-۳. واژه‌نامه اوستایی- زند - فارسی ۸۹

۲-۳. واژه‌نامه زند- فارسی ۱۳۸

۳-۳. واژه‌نامه پازند- فارسی میانه - فارسی ۱۷۰

۴-۳. نمایه واژه‌های اوستایی ۱۷۹

۵-۳. نمایه واژه‌های زند ۱۹۰

کتابنامه ۲۰۳

چکیده به انگلیسی (Abstract) 2

کوتاه نوشت‌ها

ا.	اسم
اد.	ادات
او.	اوستا
با.	بارتلمه (Bartholomae, 1904)
پ. م.	پیش از میلاد مسیح
ح.ا.	حرف اضافه
ج.	جلد
جک.	جکسون (Jackson, 1982)
چ	چاپ
ح.ر.	حرف ربط
ز.	زند
ص	صفحه
ص.	صفت
ص. فا.	صفت فاعلی
ص. مفع.	صفت مفعولی
ض.	ضمیر
ض.ا.	ضمیر اضافه
ف. م.	فارسی میانه
ف.	فعل
ق.	قید
م.	میلادی
مص.	مصدر

نشانه‌ها

اضافه شده به متن	< >
معنی (gloss)	[]
توضیح، شرح	()
یا	/
مبهم	*
معنای واژه	(=)
نگاه کنید به	←

پیشگفتار

زبان اوستایی

از سال ۱۰۰۰ تا ۷۰۰ پ.م. دوره رواج زبان ایرانی باستان است که از آن چیزی باقی نمانده است. این زبان در طول سده هفتم پ.م. همزمان با استقرار ایرانیان در بخش‌های مختلف ایران به صورت‌های مختلفی تحول پیدا کرد که آن‌ها را از ایرانی باستان و از یکدیگر متمایز ساخت. یکی از این صورت‌ها، زبان اوستایی است که در یکی از نواحی شرقی ایران رواج داشته و تنها اثری که از آن در دست است کتاب اوستا می‌باشد. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۶ و ۲۰) واژه اوستا از زبان فارسی میانه ابستاک (abestāg) با معنای احتمالی «فرمان و دستور» می‌آید. نام اصلی این زبان در متن‌های اوستایی نیامده است. این زبان در سده سوم م. فراموش شده بود و فقط موبدان زردشتی آن را به مثابه زبانی مقدس در نیایش‌ها و مراسم دینی به کار می‌بردند. (زرشناس، ۱۳۸۲: ۲۲) زبان اوستا به خط اوستایی (دین دبیری) نوشته شده است که در حدود سده ششم م. از روی خط پهلوی کتابی و زبوری (خطی که در برگردان زبور به پهلوی به کار رفته) ساخته شد. این خط با ۵۳ نویسه، برای هر یک از آواهای زبان اوستایی نشانه‌ای جدا دارد و هر واژه با یک نقطه از واژه دیگر جدا می‌شود. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۴۱)

اوستا

اوستا کتاب مقدس زردشتیان است. بخش‌های این کتاب از نظر زمان و مکان پیدایش یک دست نیستند. قدیم‌ترین بخش آن در نیمه اول هزاره دوم پ.م. در سرزمین آسیای میانه پدید آمده است یعنی هنگامی که قبایل ایرانی زبان به دامپروری و صحراگردی اشتغال داشتند. بخش‌هایی که به تعالیم زردشت پیامبر منسوب است دیرتر از آن زمان تنظیم شده و مربوط به دوره زندگی این قبایل به شیوه کشاورزی و دامپروری توأم با یکجا نشینی است. (ارانسکی، ۱۳۷۹: ۶۵-۶۹) اوستای امروزی که به صورت دست نوشته

از سده سیزدهم به بعد استنساخ شده است، یک سوم اوستایی است که در دوره ساسانی گرد آوری و به صورت سه کتاب بزرگ تدوین گشت که هر یک شامل هفت نسک (= کتاب) بود. متن‌های اوستا براساس قدمت زبانی، ویژگی‌های دستوری و آموزه‌های دینی به «اوستای گاهانی» که سروده‌های زردشت است که در هزاره اول پ.م. می‌زیسته، و «اوستای متأخر» تقسیم می‌شود. اوستای کنونی پنج بخش دارد: یسن (yasna-) ها، ویسپرد (vīspe.ratauu-)، وندیداد (vī-daēva.dāta-)، یشت (yašta-) ها، و خرده اوستا. (زرشناس، ۱۳۸۲: ۲۲)

خرده اوستا

خرده اوستا (ف.م. xurdag abestāg)، اوستای کوچک، مجموعه‌ای است از نیایش‌ها، نمازها و دعاهایی برای هنگام‌های مختلف شبانه‌روز، روزهای خاصی از ماه، جشن‌های دینی سال (گهنبارها) و ... که برای رفع نیاز زردشتیان فراهم گردیده است. براساس متن‌های فارسی میانه، این کتاب را آذرباد مهراسپندان، موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹-۳۷۹ م.) از میان اوستای بزرگ، دعاها و نمازها گرد آورده است. در نسخه‌های خطی که بعد از آن نوشته شده، برخی دعاها اضافه یا کم و یا قطعه‌هایی به پازند اضافه شده‌اند. بنابراین نسخه‌های موجود خرده اوستا محتوای یکسانی ندارند. بخش‌های خرده اوستا ویراسته گلدنر (Geldner ← کتابنامه) به این شرح است: پنج نیایش برای مهر، ماه، خورشید، آب و آتش با ستایش‌هایی برای پنج گاه شبانه روز، آفرینگان‌های دهمان و گاهان (= پنج روز پایان سال)، گهنبارها و رپیتوین؛ دعا‌های سی روزه کوچک و بزرگ در ستایش ایزدان موکل بر هر روز از ماه؛ سروش باژ (در ستایش ایزد سروش)؛ هوشبام، نیایش خاص سپیده دم و دعا‌های کوتاه دیگر. «قطعه‌هایی از خرده اوستا که در اوستای کنونی نیستند، می‌توانند از اجزای از دست رفته اوستای کهن باشند.» (پورداود، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۹)

فارسی میانه (پهلوی ساسانی)

فارسی میانه دنباله زبان فارسی باستان و صورت تحول یافته آن است. این زبان در جنوب غربی ایران رواج داشته و زبان رسمی شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.) بوده و پس از فروپاشی ساسانیان، تا سده نهم م.

مورد استفاده زردشتیان بوده است. خطی که برای نگارش آن به کار رفته از آزامی گرفته شده و دارای چهارده حرف الفباست و از راست به چپ نوشته می‌شود. (زرشناس، ۱۳۸۲: ۴۰)

زند

زند از واژه اوستایی -azanti: تفسیر، از پیشوند a- و ریشه zan² به معنای دانستن و شناختن مشتق شده و در ف.م. نیز zand نامیده شده است. (معین، ۱۳۸۴: ۲۰۸) از آنجا که در دوره اشکانی و سپس در دوره ساسانی، اوستایی زبان مرده‌ای به شمار می‌رفت و فقط موبدان آن را می‌آموختند، برگردان کتاب اوستا به زبان زنده آن روزگار ضروری بود. پس تمامی کتاب اوستا در دوره ساسانی به فارسی میانه برگردانده و تفسیر گردید که به آن «زند» می‌گویند. به دلیل تفاوت در ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در جمله در این دو زبان، برگردان‌ها که واژه به واژه و وفادار به نحو اوستایی صورت می‌گرفت، مبهم بودند. به همین سبب معنی (gloss)‌هایی هم همراه متن نوشته می‌شد که در واقع برگردان آزادی از متن اوستا به زبان فارسی میانه بود. (زرشناس، ۱۳۸۲: ۵۱)

پازند

پازند از واژه اوستایی -azanti با پیشوند -paiti: ضد، می‌آید. (معین، ۱۳۸۴: ۲۱۶) خطی که متون پهلوی با آن نوشته می‌شدند، دارای اشکالاتی بود که خواندن آن‌ها را دشوار می‌کرد. برای مثال، وجود یک نشانه برای چند حرف و یا هنگام اتصال حرف‌ها، شکل‌هایی بوجود می‌آمدند که خود نشانه یک حرف بودند مثلاً از اتصال ث و ث (d و y)، غ پدید می‌آمد که خود نشانه h ، a و x بود. از طرفی وجود هزوارش‌ها (واژه‌هایی که به آزامی نوشته و به زبان‌های محلی خوانده می‌شدند.) خواندن متن را مشکل‌تر می‌کرد. بدین سبب روحانیان زردشتی خط اوستایی را برای نوشتن متون پهلوی به کار گرفتند و هزوارش‌ها را نیز رها کردند. متن‌های حاصل «پازند» نامیده شدند. این عمل از سده‌های نخستین اسلامی آغاز شد و تا سده هشتم هجری ادامه داشت. پازند نویسان به علت مرده بودن زبان فارسی میانه، تلفظ دقیق واژه‌ها را نمی‌دانستند. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۵۰) و نیز گویش آن‌ها که گونه‌ای از فارسی بود در ثبت واژه‌های ف.م. به پازند تأثیر

داشت. از این رو در این متن‌ها به واژه‌هایی بر می‌خوریم که با فارسی دری یکسان هستند. مشهورترین پازند نویس، دانشمند پارسی سده پنجم یا ششم هجری، نریوسنگ است. (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۲۵)

آتش

واژه‌های آتش و آذر از یک ریشه‌اند. او. : -atar, ātar, در حالت نهادی، مفرد، ātarš است که در ف.م. ātaxš و در فارسی «آتش» می‌شود. از -atar در ف.م. -adur و فارسی «آذر» به جا مانده است. آذر در اوستا، ایزد موکل بر آتش است و پسر هرمزد و دستیار «اردیبهشت» امشاسپند محسوب می‌گردد. روز نهم از هر ماه و ماه نهم از هر سال خورشیدی به این ایزد اختصاص دارد. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۶: ۲۳۱) آتش مانند همه عناصر و کلیه چیزهایی که از قبل آن‌ها فایده‌ای به انسان می‌رسد، از روزگاران کهن تا به امروز مورد توجه کلیه اقوام روی زمین به ویژه آریاییان بوده است. (پورداد، یشت‌ها، ج ۱: ۵۰۶) این گروه که شاخه شرقی هندی-اروپاییان را تشکیل می‌دادند، اقوامی سفید پوست بوده و در هزاره چهارم پ.م. در روسیه مرکزی می‌زیستند و در اواخر این هزاره به جنوب سبیری و اروپا مهاجرت کردند. (بهار، ۱۳۸۶: ۱۴۳) کهن‌ترین دروه حیاتی که از نژاد آریا می‌شناسیم، زمانی است که تحت تأثیر تظاهرات قوای طبیعی در سرزمین خود که به واسطه نیمه چادرنشینی و نیمه آباد نشینی شاهد آنها بودند، نیروهای سودمند را به عنوان خدایان ستایش می‌کردند از جمله آسمان، نور، آتش و ... قدیم‌ترین خدای آنها، آسمان صاف محیط بر عالم (سانسکریت: ورونه) است. در «ریگ‌ودا» کتاب مقدس هندی‌ها (۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م.) و «اوستا» به وجوه مشترکی از این آیین کهن بر می‌خوریم. ریگ‌ودا با ستایش «آگنی»، خدای آتش آغاز می‌شود. همانطور که «آتش» واسطه ارتباط انسان با اهوره مزدا است و دعاها و بشر را به وسیله شعله‌های خود به آسمان هدایت می‌کند، آگنی نیز پیشکش ستایش کنندگان را به بارگاه خدایان می‌رساند. آتش به واسطه اینکه در اجاق خانواده فقدان روشنایی آفتاب و گرمی خورشید در شبانگاهان را جبران می‌کرد، دافع زیان‌ها و پلیدی‌ها بود و خوراک خانواده را آماده می‌نمود و ... مورد ستایش تمام اقوام عصر کهن بود. (معین، ۱۳۸۴: ۳۴-۴۱) خدای آتش در چین، تسئووانگ (tsaowang)، ستایش می‌شود و تندیس او در همه خانه‌ها هست. خدای آتش در یونان هفستوس (hefaistos)، پسر خدای بزرگ، زئوس، و آهنگری نیرومند است. در پرستشگاه وستا

(vesta)، خدای آتش در روم، آتش جاودان همواره روشن است. در دین یهود، خدای یگانه، یهوه، با پیامبر خود، موسی، به واسطه آتش گفتگو می‌کند. (پورداود، ۱۳۸۱: ۸۳-۱۰۳)

آتش در اوستا

هرمزد از روشنی بیکران (-*anayra- raocah*)، جهان روشن هرمزد، ابزاری مانند اخگر آتش آفرید که گوهر آغازین آفرینش است. سپس آن را به صورت تن در آورد و آفریدگان خود را در شش مرحله از بخش‌های گوناگون آن آفرید. در مرحله آخر آتش را به پنج گونه از اندیشه آفرید و از روشنی بیکران به آن درخشش داد: برزی سوه (او. -*bərəzi.sauuah*، ف.م. *buland-sud*) را در گرودمان، نزد خود، وهوفریان (او. -*vohu.frayāna*: محبوب، ف.م. *weh-franāftār*) را در تن مردمان و جانوران، اوروازشته (او. -*uruuāzišta*: شادترین) را در تن گیاهان، وازشته (او. -*vāzišta*: پیش آورنده) را در ابر و اسپنیشته (او. -*spaništa*: سودمندترین، ف.م. *abzōnīg*: برکت بخش) را در گیتی، که آتش بهرام است. هرمزد سه آتش را همچون سه فره به پاسبانی جهان آفرید، آذرگشنسب را در آذربایجان، آذر فرنبغ را در خوارزم و آذر برزین مهر را در پشته گشتاسبان (=کوه ریوند) به صورت آتش بهرام بنشانند. (بهار، ۱۳۷۵: ۲۵، ۱۲۸، ۱۳۳)

آتش بهرام در ارتباطی بین زمین و آسمان است. زمانی که ایزدان مینوی به گیتی می‌آیند، به نزد این آتش می‌روند. به همین سبب عمل قربانی در مقابل آتش خطاب به ایزدان صورت می‌گیرد. (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

متون پهلوی متأخر نشان می‌دهند که همه آتش‌ها را جنگجویانی می‌دانستند که در گیتی با تاریکی و سرما و به صورت مینوی با نیروهای شر، به سود آفرینش فزون بخش می‌جنگند. از این رو بزرگ‌ترین آتش را به بهرام (او. -*vərəθraγna*، ف.م. *wahman*)، ایزد جنگ و پیروزی، اختصاص می‌دادند. (بویس، ۱۳۸۴: ۶۳) در منابع زردشتی پیوند نزدیکی بین آتش و «اشه» (-*aša*) وجود دارد. اشه در اساس «نظم کیهانی» معنا می‌دهد. انسان از طریق هماهنگ بودن با این نظم با آفریدگار عالم هماهنگ می‌شود. در رده بندی امشاسپندان، اشه در مقام سوم بعد از هرمزد و بهمن است و با عنوان «بهترین» (-*vahišta*)، اردیبهشت، به نگهبانی آتش در گیتی گمارده شده است. (Panthaki, 2006)

آتشکده

در کتاب اوستا واژه‌ای برای آتشکده وجود ندارد اما در زبان فارسی میانه آتش به معنای آتشکده هم آمده است. واژه فارسی آتشکده مرکب است از آتش و کده از واژه اوستایی *kata-* به معنای اتاق، انباری، مخزن که در فارسی میانه به *kadag* به معنای خانه تبدیل می‌شود (معین، ۱۳۸۴: ۲۹۱). در روزگاری که آفرودختن آتش دشوار بود، هنگام کوچ، اخگرهایی به همراه خود می‌بردند. در عصر یکجا نشینی، در میان هر ده و محله، مکان‌هایی برای نگهداری «آتش همیشه سوزان» ساخته شدند که برای برافروختن اجاق خانه از آن استفاده می‌کردند. این «آتشکده‌ها» بنیادهای لازمه هر اجتماعی بودند. با اهمیت یافتن این مراکز، کم‌کم پیراوان هر دینی، آتشکده‌هایی به نام ایزدان مورد پرستش خود بنا کردند. به این ترتیب سده‌ها پیش از ظهور زردشت آتشکده‌هایی به وسیله رهبران اقوام بوجود آمدند و به تدریج نیز از اهمیت دینی، اجتماعی و سیاسی برخوردار شدند و در اطراف آن‌ها ادارات دولتی، بنیادهای دینی و اجتماعی شکل گرفتند. زردشت برای پرستش هرمزد جا یا جهت ویژه‌ای قرار نداد بلکه خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌های سرسبز و همه آثار طبیعت می‌توانستند مکانی برای نیایش او باشند. «در مهر»، آتشکده‌هایی بودند که مهرپرستان در آنجا، مهر را پرستش می‌کردند. با گرویدن ایرانیان به دین زردشت، این مکان‌ها به آن‌ها رسید و پس از آن بود که در فضای بسته آتشکده‌ها و رو به نور آتش به ستایش خدای یکتا پرداختند. (شهزادی، ۱۳۶۴: ۴۰۴)

نیایش

واژه‌های اوستایی *vahma-*: دعا، ستایش و *nəmah-*: احترام، پرستش، در زند به *niyāyišn* برگردانده شده‌اند که در فارسی به معنای دعا است. در خرده اوستا پنج نماز و دعا به نام‌های خورشید، ماه، مهر، آناهیتا و آتش نیایش وجود دارد. (پورداد، ۱۳۸۵: ۱۰۳) نیایش‌ها قطعه‌هایی هستند که نویسندگان اوستایی برای استفاده عامه زردشتی از یشت‌ها و یسناهای مربوطه جمع‌آوری کرده‌اند. (آذرگشسب، ۱۳۵۴: ۱۰۷) واژه‌های این پنج دعا در طول نسل‌های متمادی ثابت و یکنواخت نبوده است. در صورت به جا مانده هم ابیاتی متأخر و هم ابیاتی بسیار کهن را شامل می‌شوند. در آتش نیایش چهار بند از گاهان آمده که بایستی در همان آغاز کار که هنوز بهدینان گفته‌های زردشت را همان گونه که تعلیم داده بود درک می‌کردند، وارد

نیایش کرده باشند. به آتش هیزم خشک پاکیزه و بوی خوش به گاه نمازهای روزانه (=یادداشت‌ها) و چربی حیوانی (=آتش زوهر) را هر وقت که خانواده گوشتی برای پختن دارد نثار کرده و به این ترتیب با شعله‌ور کردن آتش آن را تقویت می‌کردند. (بویس، ۱۳۸۴: ۷ و ۲۶) برای دادن پیشکش‌ها به آتش اجاق و آتش دادگاه، تنها خواندن یک بار «آتش نیایش» کافی است؛ برای آتش آدوران، روحانیان سه بار آن را می‌خوانند در حالی که برای آتش بهرام تعداد بستگی دارد به گاه: ۱۱ بار در گاه هاون، ۹ بار در ربیه‌وین گاه، ۷ بار در اوزئیرین و ایویسروثریم گاه، ۹ بار در اشهین گاه. گفته می‌شود که هر کس قادر به خواندن آتش نیایش نباشد، می‌تواند همان شایستگی را با خواندن ۶۵ بار دعای اهنور به دست بیاورد. (Boyce, 1989:6) آذر نیایش از واجبات دین نیست، اما اگر کسی هر روز یا در آذر روز (=روز نهم ماه) بخواند ثواب است. (پورداد، ۱۳۸۵: ۱۰۵) در ایران هم چنین بهدینان در روز پیدایش آتش، دهم بهمن، جشن سده را برگزار می‌کنند. هنگام غروب در کنار آب روان آتشی بزرگ می‌افروزند تا با گرم کردن آب مانع از یخ زدن آن شده و دیو یخبندان را از پای درآورند. (بویس، ۱۳۷۴: ۲۴۱) این عمل یادآور همکاری ایزدان (در اینجا ایزد آذر و ایزد بانو آناهیتا، ایزد نگاهبان آب‌ها) در پاسداری از آفریدگان هر مزد می‌باشد.

روش کار

این پژوهش از یک پیشگفتار و سه فصل تشکیل می‌شود. در پیشگفتار، مفاهیم اصلی، روش کار، پژوهش‌های پیشین و متن اوستایی و زند «آتش نیایش» شرح داده شده‌اند.

فصل اول شامل متن اوستایی «آتش بهرام نیایش» ویراسته گلدنر (Geldner, 1886, II: 50-51)، حرف نویسی متن به شیوه هوفمان (Hoffmann, 1989: 47-62)، برگردان فارسی متن و یادداشت‌هایی بر برگردان متن می‌باشد. با توجه به ساختار ویژه دستوری اوستا، تلاش شده تا ضمن رعایت حالت‌های دستوری واژه‌ها، برگردانی نزدیک به متن ارایه گردد.

فصل دوم شامل متن زند «اساس نیایش آتش» (=آتش بهرام نیایش) ویراسته دابار (Dhabhar, 1927:36-46)، حرف نویسی و آوا نویسی متن به شیوه مکنزی (۱۳۷۹)، یادداشت بر آوانویسی، برگردان متن به فارسی و یادداشت‌هایی بر برگردان فارسی است.

در برگردان متن زند، اصل بر انتقال مفاهیم واژه به واژه متن به فارسی بوده و تلاش گردیده تا برگردانی روان ارایه گردد. در این راستا، در قسمت یادداشت‌ها، واژه‌ها و عبارت‌های مبهم و ناشناس در متن زند شرح داده شده‌اند.

فصل سوم از سه واژه نامه و دو نمایه تشکیل می‌شود. ابتدا واژه نامه «اوستایی-زند-فارسی»، که براساس فرهنگ بارتلمه (Bartholomae, 1904) است. سرواژه به خط اوستایی (دین دبیره) است و پس از حرف نویسی، نوع واژه و معنای آن با ذکر صفحه‌ای که در فرهنگ بارتلمه آمده به صورت «با. ...» می‌آید. پس از تجزیه و تحلیل واژه در ردیف زیرین، صورت به کار رفته آن در متن با ذکر حالت دستوری‌اش بر طبق کتاب دستور جکسون (Jackson, 1982) با ذکر شماره بند به صورت «جک.» و در آخر سطر شماره بندی از متن اوستایی می‌آید که واژه در آن قرار دارد. در پایان برابر زند آن واژه در متن زند داده شده است. دوم، واژه‌نامه «زند-فارسی» است. سرواژه به خط فارسی میانه می‌باشد. سپس حرف نویسی و آوانویسی به روش مکنزی (Mackenzie, 1971) قرار دارد. برای برابری معنایی از واژه‌نامه‌های نیبرگ (۱۹۷۴) و فرهوشی (۱۳۷۱) نیز استفاده شده است. شماره بندی که واژه در آن قرار دارد در پایان سطر آمده است. سوم، واژه‌نامه پازند - فارسی میانه - فارسی است که شامل واژه‌های پازند در متن اوستایی می‌باشد.

برابره‌های ف.م. براساس نیبرگ (همان: ۲۵۹-۲۶۵) و برابره‌های فارسی بر پایه مکنزی (همان) می‌باشند. شماره بندی که واژه در آن به کار رفته نیز آمده است. در پایان این فصل دو نمایه از واژه‌های اوستایی و زند آمده است. پس از آن کتابنامه و چکیده (به انگلیسی) قرار دارند.

پژوهش‌های پیشین

از آنجا که «آتش بهرام نیایش» ترکیبی از یسن ۶۲ و قطعه‌هایی از یسن‌های ۱، ۲۷، ۳۳، ۳۴ و ۶۸ است، در بررسی پیشینه پژوهشی این متن لازم است که پیشینه پژوهشی یسن‌ها نیز در نظر گرفته شود. اولین و کهن‌ترین بررسی و برگردان متن اوستایی «آتش بهرام نیایش»، متن زند آن است که در اواخره دوره ساسانی صورت گرفته و حاوی برداشت سنتی موبدان از متن اوستا بوده است. پژوهش‌هایی که به زبان‌های اروپایی انجام شده به شرح زیر می‌باشند:

۱. آنکتیل دوپرون که اوستا شناسی را در نیمه دوم سده هیجدهم م. بنیان گذارد، اولین برگردان متن کامل اوستا را از اصل زند تحت عنوان «زند-اوستا، تألیف زردشت» در سه جلد به زبان فرانسه منتشر کرد که براساس تفسیر سنتی موبدان از اوستا بود:

Duperron, A., 1771. *Zend-Avesta, ouvrage de Zoroastre*, III. Paris.

۲. جیمز دارمستتر (Darmesteter) برگردان کامل از متن اوستا را در دو جلد به اضافه یک جلد قطعه‌های پراکنده اوستایی را به زبان فرانسه منتشر کرد که از دیدگاه زبانشناسی منسوخ شده اما تفسیرهای او همچنان ارزشمند است. (← کتابنامه)

۳. ولف برگردان کامل از اوستا را به آلمانی منتشر کرد:

Wolf, F., 1910. *Die Heiligen Bücher der Parsen*. Strassburg.

۴. کلنز و پیرار بررسی و برگردان متن کامل اوستا را به زبان فرانسه در سه جلد منتشر کردند که حاوی یافته‌های نوین زبانشناسی در زمینه زبان اوستا است:

Kellens, J. & Pirar, E., 1988-91. *Les texts vieil-Avestiques*, III. Wiesbaden.

۵. رایخلت (Reichelt) بندهای یک تا ده از یسن ۶۲، را حرف نویسی و به انگلیسی برگرداند و علاوه بر واژه‌نامه، شرحی بر واژه‌ها و عبارتهای آن داد. (← کتابنامه)

۶. مانک جی نوشیروان جی دالا (Dhalla)، دانشمند پارسی، متن اوستایی نیایش‌ها را با تفسیر زند آنها که در حدود ۷۰۰-۹۰۰ م. انجام گرفته بود و همراه با ترجمه سانسکریت و گجراتی آنها در یک کتاب جمع‌آوری نموده و هر یک را جداگانه آوانویسی و به انگلیسی برگرداند. (← کتابنامه)

۷. دابار (Dhabhar) متن زند «خرده اوستا» را براساس بیست و دو نسخه دستنویس ویرایش و سپس به انگلیسی برگرداند. (← کتابنامه)

پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام شده به دست موبدان و زبانشناسان ایرانی صورت گرفته‌اند. از جمله: یک دوره کامل از مجموعه اوستا (به جز وندیداد) توسط استاد پورداد از متن اوستایی به فارسی برگردانده شد (← کتابنامه). جلیل دوستخواه با تکیه بر کارهای استاد پورداد، مجموعه اوستا را به فارسی برگرداند (← کتابنامه). حسین وحیدی نیز برگردانی تقریباً آزاد از مجموعه اوستا دارد (۱۳۶۸)، بنیاد فرهنگی سرن سروشیان). پژوهش‌هایی که به دست موبدان انجام گرفته اغلب به شیوه سنتی هستند از جمله ترجمه خرده اوستا توسط رشید شهردان (۱۳۰۸، بمبئی) و موبد اردشیر آذرگشسب (۱۳۴۳، تهران) هستند، اثر اخیر حاوی پانوشتهای بسیار مفید است. متن زند خرده اوستا تا کنون به صورت یک مجموعه واحد به فارسی برگردانده نشده است بلکه متن‌های آن جداگانه به صورت پایان‌نامه‌های دانشجویی ارائه گردیده از جمله برگردان متن یسن ۶۲ (اوستایی و زند) که بدنه اصلی «آتش بهرام نیایش» را تشکیل می‌دهد و به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسط رستم وحیدی در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه آزاد ارائه گردیده است. متن کامل زند «آتش بهرام نیایش» برای نخستین بار در این پژوهش بررسی و تلاش گردیده با توجه به نکات دستوری و مفاهیم اساطیری و آیینی موجود در متن، برگردانی دقیق، روان و درست از آن به فارسی ارائه گردد.

بررسی متن‌های اوستایی و زند «آتش بهرام نیایش» و نتایج بدست آمده

الف- متن اوستایی

این نیایش متن مستقلی ندارد و مانند دیگر متن‌های خرده اوستا، از بخش‌های مختلف اوستا گردآوری شده است. گلدنر در کتاب خود (← کتابنامه) متن خطی این نیایش را به صورت کامل نیاورده، بلکه بندها، جمله‌ها و عبارت‌هایی را که از بخش‌های دیگر اوستا هستند حذف و به صورت نقطه‌چین مشخص کرده و در پانویست آنها را توضیح داده است. به همین سبب در این پایان‌نامه بعد از نمونه خطی از کتاب گلدنر، نمونه متن کامل براساس ویرایش وی می‌آید که از پایگاه اوستا (www.Avesta.com) اخذ گردید. متن ویراسته گلدنر شامل بیست بند با ۵۹۹ واژه اوستایی و ۱۶۶ واژه پازند به شرح زیر می‌باشد:

بند صفر که پیشگفتار متن محسوب می‌گردد، به پازند است و برابر است با بند صفر از «مهر نیایش» که عبارت «آتش بهرام، آذر بزرگ» به آن افزوده شده. نیایش کننده، آتش را مورد خطاب قرار داده و در حضور او به گناهان پنداری، گفتاری و کرداری خود اعتراف و پشیمانی‌اش را اعلام و توبه می‌کند.

بندهای ۱ تا ۳ از بخش گاهانی اوستا، یسن ۳۳، بندهای ۱۲ تا ۱۴ هستند و حاوی درس‌های اخلاقی و فلسفی زردشت می‌باشند. در بند یک مؤمن از هرمزد می‌خواهد که او را در جهت اندیشه، گفتار و کردار درست یاری دهد. این بند ضمن نام بردن از امشاسپندان، به خویشکاری آن‌ها در رابطه با انسان اشاره می‌کند. در بند دو از آفرینش هرمزدی می‌گوید که بر اندیشه نیک و آشه استوار است و از هرمزد می‌خواهد او را در جهت اندیشه نیک و آشه هدایت کند. در بند سه، زردشت، تن و جان و اندیشه و گفتار و کردار نیک خود را به هرمزد پیشکش می‌کند.

بند چهار برابر است با بند ده از خورشید نیایش. مؤمن برای خوشنودی هرمزد به آتش نماز می‌گذارد و سپس دعای «اشم‌وهو» را یکبار می‌خواند.

بند پنج برابر است با بند نه از دعای سی روزه کوچک که بزرگداشت ایزد آذر است که روز نهم ماه به نام اوست. این بند با حرف «به» آغاز می‌شود سپس نام‌هایی که با اسطوره آتش در ایران پیوند دارند، ذکر می‌شوند. این بند بدون فعل پایان می‌یابد.

بند شش ادامه بند پیشین است و به همان گونه نیز آغاز می‌شود و این بار صفت‌های آتش بیان می‌گردد. این بند هم فعل ندارد. اما در بند نه از سی روزه بزرگ، فعل «می‌ستاییم» پس از هر عبارت می‌آید. بندهای هفت تا شانزده برابری با بندهای یک تا ده از یسن ۶۲ که «نیایش آتش» است. در بند هفت، مؤمن آتش را با ضمیر «تو» مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهد، او را ستایش کرده و نذر خود را به او پیشکش می‌کند. بندهای هفت، سیزده و شانزده خطاب به آتش هستند که امکان دارد از نظر محتوایی از گاهان باشند، اگرچه زبان آن‌ها اوستایی متأخر است. (Boyce, 1989:6) بند هشت در ادامه بند هفت، مؤمن با آرزوی بهترین هیزم، اندوخته، بوی خوش، و نگاهبان برای آتش، او را موجود زنده‌ای می‌پندارد که برای ادامه حیات خود نیاز به خوراک، ذخیره غذایی و نگهداری مناسب دارد. بند نه، به دنبال بند هشت، برای آتش آرزو می‌کند که در بهترین شرایط، همیشه سوزان باشد تا زمان فرسنگرد که اشاره دارد به پیوند آتش در گیتی و آتش مینوی و نیز نقش داوری ایزد آتش در رستاخیز. در بندهای ده، یازده و دوازده مؤمن نیازهای خود را به آتش بازگو می‌کند و از او درخواست شفاعت نزد هرمزد دارد تا دعاهای او را اجابت کند. در بندهای سیزده و چهارده، متقابلاً آتش انتظار خود را از مؤمن بیان می‌کند یعنی آنچه که مؤمن برای خوشنودی و رضایت آتش در مراسم نیایش باید انجام دهد. بندهای پانزده و شانزده وابسته به یکدیگر هستند و به نذر کننده یادآوری می‌کنند که اگر انتظارات آتش را برآورده کند، آتش او را دعای خیر خواهد کرد.

بند هفده، بیست و دو واژه پازند و چهارده واژه اوستایی دارد و با قطعه‌ای «باژ» به پازند آغاز می‌شود که در بند شانزده خورشید نیایش نیز آمده است. سپس دعای «یثا اهو» دوبار تکرار می‌شود. قطعه پایانی بند، اوستایی است که برابر است با بند هفده از خورشید نیایش و تکرار بندهای پنج و شش از همین نیایش. سپس دعای اشموهو سه بار خوانده می‌شود.

بند هیجده همان بند چهارده از یسن ۳۴ (بخش گاهانی) و خطاب به هرمزد است که از او می‌خواهد در پایان جهان، آتش هرمزد برای مؤمن پاداش و برای دشمن پادافره باشد که اشاره دارد به فرسنگرد و گذشتن تن‌های پسین از فلز مذاب که مؤمن با سلامتی عبور می‌کند اما گناهکار در آن گرفتار می‌شود.

بند نوزده با چهل و یک واژه اوستایی و سی واژه پازند، ادامه بند هیجده و نیز برابر است با بند هیجده خورشید نیایش و بند پنج سروش باژ. این بند با دعای «اهمایی ریشچه آغاز می‌شود. بعد از یک بار دعای اشموهو، عبارت «هزار درمان ...» (hazarnrēm ...) سه بار تکرار می‌گردد. این عبارت در بند پانزده یسن ۶۸ و بند ۲۷ هرمزد یشت نیز آمده است. بار دیگر دعای اشموهو و بعد از آن عبارت «برای یاری ...» (jasa.mē ...) خوانده می‌شود که در بند نه از یسن ۷۲ و در پایان یشت‌ها، نیایش‌ها و گاهان نیز می‌آید. پایان بند به پازند است که در بند پنج سروش باژ و پایان بند هیجده خورشید نیایش نیز آمده است. پس از آن عبارت «همانگونه پیش آید ...» (aṭa jamiīāt ...) به معنای «ایدون باد» یا «آمین» می‌آید که در بند نوزده یسن ۶۸ و در پایان هر چهار آفرینگان نیز آمده است.

بند بیست نیز با پازند آغاز می‌شود که هنگام نماز را بیان می‌کند و پس از تکرار عبارتی از بند چهارده به اوستایی و دعای اشموهو، دوباره قطعه‌ای به پازند می‌آید که نیایش کننده برای همه آتش‌ها دعا می‌کند. بار دیگر اشموهو و قطعه‌ای از بند چهار تکرار می‌شود و با خواندن یک بار اشموهو، نیایش به پایان می‌رسد. گلدنر برای ویرایش متن آتش نیایش از بیست و چهار نسخه دست نویس استفاده کرده است. چند نسخه که در بخش یادداشت‌ها از آنها نام برده‌ام به این شرح هستند:

L18: نسخه خطی «خرده اوستا و یشت» از مجموعه گایز متعلق به دیوان هند در لندن، به خط اوستایی، شامل پنج نیایش، آفرین دهمان، گاهنبار، آفرینگان به پازند، گاهان و قطعات پراکنده یشت‌ها.

P13: نسخه خطی «یشت‌ها و خرده اوستا» از مجموعه آنکتیل دوپرون موجود در کتابخانه ملی پاریس.

Pt1: متن «خرده اوستا با متن کامل یشت‌ها»، متعلق به دستور دکتر پشوتن جی بهرام جی سنجانا در بمبئی، نوشته هیربد داراب در سورات، فرزند هرمزدیار رامیار به سال ۱۶۲۵ م. شامل پنج نیایش، دعاها، پت‌ها، پنج گاه، آفرین دهمان، گاهنبار، رپیتوین، پازند آفرین‌ها، آفرین زردشت، نیرنگ‌ها و متن کامل یشت‌ها.

ب- متن زند

متن زند ویراسته دابار (Dhabhar, 1927) تحت عنوان «اساس نیایش آتش»، مبنای بررسی و برگردان زند در این پژوهش است. این متن از هیجده بند با ۱۴۲۲ واژه تشکیل می‌شود و به شرح زیر است:

بندهای هفده و نوزده از متن اوستایی که به پازند هستند، برگردان زند ندارند. در متن واژه‌هایی به کار رفته که تابع لهجه فارسی هستند. مثل *ādarān*، *buzurgīh*. شناسه‌های افعال گاهی صورت کهن فارسی میانه *-ēm*، *-ēd*، ... را دارند و گاهی صورت متأخر *-am*، *-ad*، ... در برگردان واژه‌های اوستایی نیز خطاهایی صورت گرفته است مانند *uzārəšuuā* فعل امر: بالا بیا، آشکار شو، از ریشه *-ar*: حرکت کردن، که اشتباهاً از ریشه *-rēš*: آسیب رساندن، گرفته شده و برابر زند آن را *rēšidār* به معنای آزار رساننده آورده است. چندین واژه نیز برابر زند ندارند (← واژه‌نامه). معنی (*gloss*)ها نیز در برخی بندها به درازا کشیده شده و متن را از مفهوم اصلی دور می‌کنند. اما در نهایت برگردان زند به درک بیشتر مفاهیم اصلی و بنیادین این نیایش که بر باورها و آیین‌های ایران باستان استوار است، کمک می‌رساند.

بند صفر با ۱۶ واژه در مقابل ۵۶ واژه در متن اوستایی، فقط بخش اول بند صفر متن اوستا را به زند برگردانده و بخش دوم که «اعتراف به گناه، ابراز پشیمانی و توبه» است، برگردان زند ندارد. بند یک، با ۴۰ واژه در برابر ۱۹ واژه اوستایی، متن را به خوبی برگردانده و پرنوشت‌ها مفهوم را رساتر کرده‌اند.

بند دو، با ۶۵ واژه در برابر ۱۹ واژه اوستایی، برگردان دقیقی از متن ندارد، مبهم است و پرنوشت‌ها نیز به روشن‌تر شدن مفهوم آن کمک نمی‌کنند.

بند سه، با ۳۹ واژه در برابر ۱۷ واژه اوستایی، از نظر مفهوم با متن اوستا برابر است. بند چهار، با ۱۷ واژه در برابر ۳۶ واژه اوستایی، برگردانی ناقص از متن ارائه می‌دهد. بخش دوم بند اوستایی برگردان زند ندارد که شاید از افزوده‌های بعدی باشد.

بند پنج، با ۱۵۴ واژه در برابر ۳۵ واژه اوستایی، متن را به طور کامل برگردان کرده اما پرنوشت‌ها طولانی و تکراری هستند.

بند شش، با ۱۷۱ واژه در برابر ۵۸ واژه اوستایی، همانند بند پنج عمل کرده است.

بند هفت، با ۱۷۰ واژه در برابر ۳۷ واژه اوستایی، برگردان روشنی از متن اوستا دارد.

بند هشت، با ۲۱ واژه در برابر ۲۲ واژه اوستایی، برگردان متن کامل است و پرنوشت ندارد.